

یادداشت

«منشور» نوگرا در انتظار ضمانت اجرا

دکتر علی اکبر گرجی آژندریانی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی



امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه در مورد فلسفه بعثت انبیا جملات زیبایی دارند مثلاً خداوند پی در پی انبیا را فرستاده برای چند کاری یکی اینکه گنجینه‌های مخفی شده عقل و خرد انسان‌ها را استخراج و بارور کند و یکی هم خوبی‌ها و فضیلت‌های فراموش شده در جامعه را یاد آور بشوند. بنابراین تبلیغ و یادآوری فضیلت‌های فراموش شده خودش یک ارزش است، یک اقدام انقلابی است.

نکنه دوم اینکه هنوز تا انتخابات ریاست جمهوری زمان زیادی باقی مانده است ولی اگر کسی نخواهد تبلیغ انتخاباتی هم انجام دهد، اینکه به مردم بگوید می‌خواهم از حقوقتان دفاع بکنم بهتر است یا اینکه بگوید می‌خواهم شما را محدود کنیم؟ رسانه‌ها باید به فصل‌های این منشور به طور کارشناسی بپردازند.

ما در بحث انتخابات، پاسخگویی به مردم، امنیت فضای مجازی، امنیت زندگی مردم، در نوع برخورد با مردم و غیره مشکلاتی داریم؛ ما که تعارف با کسی نداریم آیا ما الان وضع مطلوبی داریم؟ بله این قوانین هست در قرآن و فقه ما هم وجود دارند اما مهم این است که به آنها عمل شود.

اینکه گفته شود چون در قوانین است کسی پیگیر اجرایش نباشد؛ حرف ناصحیحی است؛ رئیس جمهوری نیامده که بگوید دوباره قانون وضع می‌کنم یا قانون اساسی بنویسد! رئیس جمهوری می‌خواهند قوانین موضوعه به اجرا در بیاید این از عجایب است که انتقاد می‌کنند یک رئیس جمهور وزیران خودش را مخاطب و مورد مواخذه قرار داده که این حقوق شهروندی را چرا اجرایی کنید و باید اجرا کنید. حقوق شهروندی یعنی مبارزه با فساد، رانت خواری، پارتی بازی، رشوه خواری، احترام به ارباب رجوع،

هنوز

تا انتخابات

ریاست جمهوری

زمان زیادی باقی

مانده است ولی

در پاسخ به کسانی

که می‌گویند آقای

روحانی می‌خواهد

با منشور حقوق

شهروندی تبلیغ

انتخاباتی کند باید

گفت اگر کسی هم

بخواهد تبلیغ

انتخاباتی بکند، اینکه

به مردم بگوید

می‌خواهم از

حقوقتان دفاع بکنم

بهتر است یا اینکه

بگوید می‌خواهم

شما را محدود کنیم؟

حفظ آزادی‌های مشروع مردم، آرمش روانی مردم و غیره، این‌ها چیزهایی است که روحانی از وزیران خودش و مسئولان کشور خواسته است. به جای تقدیر و تشکر می‌آیند و این مباحث را مطرح می‌کنند! این از همان مصادیقی است که بارها گفته‌ام هر کار خوب این دولت را یک عده سعی می‌کنند بد جلوه دهند.

اگر امر به معروف و نهی از منکر خوب است که واجب شرعی است این بهترین مصداق عملی امر به معروف و نهی از منکر است که در قالب حقوق شهروندی، رئیس جمهوری به میدان عمل آمده و می‌گوید می‌خواهم این بدی‌ها نباشد و این خوبی‌ها باشد! این سخن نادرستی است

که انگیزه ارائه منشور، انتخاباتی بوده است و آخرین کلام اینکه این منشور بدین معنا نیست که از این به بعد قرار است مورد اهتمام دولت باشد؛ بلکه از آغاز استقرار دولت، رئیس جمهوری پایبند به این مفاد بوده و سعی کرده در دولت اجرا شود و به وعده‌ها عمل کنند.

حالا هم به صورت یک منشور احصا کرده‌اند در یک مجموعه تا هم خود دولت بدانند برنامه و خط مشی اش چیست و مردم هم بدانند و از دولت مطالبه کنند.

گام اول در اصلاح امور دانستن حقوق است؛ مردم باید بدانند چه حقوقی دارند تا بعد از دانستن مطالبه کنند. اگر مطالبه کردند دولت‌ها ناچار و ناگزیر به عمل هستند ما نباید مردم را در بی‌خبری نسبت به حقوقشان قرار دهیم. یک عده می‌گویند مردم پررو می‌شوند و مطالبه‌شان بالا می‌رود؛ خب مطالبات حقی است و باید بالا برود. بنابراین کار ارزشمندی است به هر میزان که ترویج شود جامعه ما به سمت جامعه بهتر حرکت خواهد کرد.

قواعد حقوقی در خلأ شکل نمی‌گیرند. این قواعد صرف نظر از ماهیت‌شان مولود بسترهای انتزاعی (ذهنی، فکری، روانشناختی، اعتقادی) و عینی (واقعی) اند، گرچه برخی فلاسفه حقوقی مانند کلسن، حقوق را یکسره محصول اراده دولت می‌پندارند اما دولت هم موجودی ماورایی نیست. آرمانگرترین دولت‌ها نیز مجبورند پایی در زمین عینیات داشته باشند تا امکان حکمرانی بر جامعه را بیابند. قواعد حقوق شهروندی هم از این حکم مستثنی نیستند. این قواعد برخاسته از طیفی از باورها، ذهنیت‌ها، نیازها و مقتضیات گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. نیازهایی که گاه به زبان علمی و در قالب مفاهیم پیچیده عنوان می‌شوند و گاه بدون تکلف در مناسبات روزمره مردم ظهور می‌یابند.

بی‌تردید، مدونین منشور حقوق شهروندی به برداشتی از کرامت انسانی ایمان دارند و همین باور در کنار باورهای دیگر محرک آنها برای انتشار آن است. باور به کرامت ذاتی انسان ریشه در برخی آموزه‌های دینی و ملی ما ایرانیان دارد. مؤلفه دیگر، ضرورت تدوین قانون جامع حقوق و آزادی‌ها برای تضمین اجرای قانون اساسی است (قانون ارگانیک به معنای ماهوی). منشور می‌تواند بستر ساز چنین قانون جامعی باشد. با در نظر گرفتن این پیش فرض‌ها اساساً دیگر مسأله سیاسی یا تبلیغاتی بودن تدوین حقوق شهروندی چندان موجه به نظر نمی‌رسد، زیرا اگر هم جنبه سیاسی و تبلیغاتی وجود داشته باشد عموم شهروندان ایرانی تأیید خواهند کرد که انتشار این منشور یک سیاست‌ورزی مثبت است و بر برخی گفتمان‌های سیاسی رایج شرافت دارد. پرسش تأمل برانگیز این است که آیا نقد ناقدان، سیاسی نیست؟ آیا این نقد‌ها از خاستگاه حقوق بشری برمی‌خیزند یا ریشه در حقوق ستیزی و آزادی‌گریزی ناقدان دارد؟ اگر نقد ناقدان بر مبنای دفاع از حق‌ها و آزادی‌ها صورت بگیرد قابل تأمل است و می‌توان گفت که در چارچوب موازین حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است، اما اگر خارج از این رویکرد باشد می‌توان آنها را هم در حد یک موضع‌گیری سیاسی تقلیل داد.

منشور حقوق شهروندی برای نخستین بار مجموعه حقوق و آزادی‌های متنوع بشری را در یک سند جامع گردآوری کرده و امید می‌رود بتدریج مورد استقبال دیگر قوای حاکمه قرار بگیرد و تبدیل به سند ملی نظام جمهوری اسلامی شود. از این منظر منشور را می‌توان نوعی کدیفیکاسیون غیررسمی هم تلقی کرد.

اگر حب و بغض‌های سیاسی را کنار بگذاریم و به این نکته توجه کنیم که فصل سوم قانون اساسی و بسیاری از اصول دیگر آن در اجرا مغفول مانده است، به نظر می‌رسد ضرورت ایجاد یک جهش و فضای نو در زمینه حقوق مداری آشکار است. به نظر نگارنده، منشور حقوق شهروندی در صدد بسط مفهومی و نظری قانون اساسی بویژه در زمینه حقوق ملت است. بنابراین به نظر می‌رسد این منشور نه تنها موازین قانون اساسی بویژه آنچه که در اصل دوم و سوم قانون اساسی مذکور افتاده، ناسازگار نیست بلکه صراحتاً، در حال توسعه مبانی قانون اساسی و نظام ارزشی جمهوری اسلامی است. انقلاب اسلامی سه ارزش اساسی را در جامعه ایران زنده کرد؛ ارزش استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. این منشور در حال زمینه‌سازی برای تحقق عملی این سه ارزش بنیادین انقلاب اسلامی است.

درست که منشور حقوق شهروندی به چارچوب‌های کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی بویژه سه ارزش بنیادین آن وفادار است، اما نسبت به آن پیشرو، نوگرا و تحول‌پذیرتر است. از این زاویه حتی شاید بتوان منشور را، در صورت اجرا، به منزله احیاء و تمدن روح تازه در قانون اساسی در نظر گرفت. برخی نوآوری‌های منشور را می‌توان چنین برشمرد:

۱- در ماده یک این منشور به حق حیات اشاره شده که در قانون اساسی به صورت مبسوط به آن توجهی نشده است.

فقط در اصل ۲۲ قانون اساسی به صورت کلی بیان می‌شود که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل انسان مصون از تعرض است. اینکه نگاه شما به تمامیت جسمانی و تمامیت معنوی انسان فقط یک نگاه امنیتی باشد، یک نوع دیدگاه حداقلی درباره حق حیات است. دیدگاه قانون اساسی در زمینه حق حیات در اصل ۲۲ حداقلی و امنیت‌گراست، اما منشور حقوق شهروندی در زمینه صیانت از حق حیات پارا فراتر گذاشته و به یک نوع نگاه ایجابی توجه داشته است. در منشور حقوق شهروندی تصریح می‌شود که برای صیانت از حق حیات، هر شهروندی باید امکان زندگی شایسته را داشته باشد. در حقیقت حیات مورد اشاره در حقوق شهروندی معطوف به رفاه اجتماعی، حقوق و آزادی‌های فردی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به صرف تضمین امنیت جانی بسنده نمی‌کند.

۲- منشور در حوزه‌های دیگر همچون اقتصاد و فرهنگ نیز گام‌های متهورانه‌ای را برمی‌دارد. منشور حقوق شهروندی در حال گسترش دایره آزادی‌های اقتصادی و صیانت از حقوق اقتصادی شهروندان ایرانی است. به تعبیری از یک نوع اقتصاد شفاف، غیررانتی، مشارکتی و رقابتی دفاع می‌کند و آگاه شدن شهروندان به اطلاعات اقتصادی راحق آنها می‌داند، حتی دولت را مکلف می‌کند که برابری فرصت‌ها را برای همه فعالان اقتصادی به رسمیت بشناسد. یکی از عوامل فساد در حوزه‌های اقتصادی رانت اطلاعاتی است. منشور در این قسمت تلاش کرده اساساً رانت اقتصادی را از بین ببرد و برابری در استفاده از امکانات و اطلاعات اقتصادی را برای همگان تسهیل کند. این در حالی است که موضع قانون اساسی درباره حقوق عمومی اقتصادی مبهم و متناقض است و به یک معنا اعتقادی به اقتصاد رقابتی ندارد. پس، می‌توان گفت در چنین مواردی منشور نسبت به قانون اساسی نوگرا تر است.

۳- منشور در ماده ۲۰ بی‌طرفی دولت در ارائه خدمات عمومی را به رسمیت می‌شناسد. با عنایت به دینی بودن نظم سیاسی و حقوقی ایران این شناسایی را باید بسیار بزرگ داشت.

۴- دولت‌سازی مدرن مستلزم تقویت مناسبات و وابستگی‌های متقابل جامعه مدنی و دولت است. منشور در این زمینه بسیار جدی است. مواد ۴۳ تا ۴۶ زمینه‌های لازم را برای شکل‌گیری نهادها و تجمعات مدنی پیش‌بینی کرده است. پیش‌بینی حق دادخواهی برای سمن‌ها، تکلیف نهادهای امنیتی و انتظامی به رعایت بی‌طرفی در مدیریت راهپیمایی‌ها و اجتماعات از نکات مهم این قسمت است.

۵- حق دسترسی آزادانه و بدون محدودیت به فضای مجازی و تفریح فیلترینگ و پارازیت در ماده ۳۳ قابل توجه است.

۶- شناسایی اصول مربوط به اداره شایسته از جمله اصول کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف، بی‌طرفی، دوری از منفعت‌جویی و... در نوع خود کم‌نظیر است و... در پایان، می‌توان منشور را به مثابه تعهدنامه اخلاقی، سیاسی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت به منظور توانمندسازی شهروندان دانست. این منشور در صورت اجرای صادقانه و وفادارانه می‌تواند به حقوق‌مدار شدن گفتمان سیاست در ایران بینجامد و آرمان‌های مغفول مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی را تحقق بخشد. تزریق روحیه شجاعت و مطالبه‌گری به شهروندان می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای در مناسبات دولت و شهروندان ایرانی ترسیم کند.

مهم‌ترین نقطه ضعف منشور حقوق شهروندی کاستی‌های مربوط به ضمانت اجراست. تضمین فراگیر آن مستلزم عزم تمام قوای سیاسی و اداری کشور است، اما تضمین مجریه‌ای و بخشی آن به اراده و برنامه‌ریزی دولت بستگی دارد. وانگهی، نقش شهروندان فعال و عرصه عمومی را در تضمین این منشور نباید فراموش کرد. ما شهروندان ایرانی هنوز به اقتضانات فردگرایانه و جمع‌گرایانه حقوق شهروندی تن نداده‌ایم. هرگاه دولت و ملت، عملاً، در پیشگاه انسان کرامت محور و حقدمدار متواضعانه سر تعظیم فرود آورند، می‌توان امیدوار بود که حیات طیبه مبتنی بر شهروندمداری هم امکان تحقق خواهد یافت.

حقوقی

www.iran-newspaper.com